



# زنان خاندان عصر تیموری

دکتر لیلا محمدی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه  
تابستان ۱۳۹۸

محمدی، لیلا، ۱۳۵۷.

زنان خاندان عصر تیموری / لیلا محمدی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸.

هشت، ۲۰۲ ص. مصور - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۴۹۱: تاریخ اسلام؛ ۱۱۰)

ISBN: 978-600-298-256-8

بها: ۲۱۰۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه، ص. [۱۷۷] ۱۸۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

۱. زنان -- ایران -- تاریخ -- قرن ۹ ق. ۲. Women -- Iran -- History -- 15th century. ۳. ایران -- تاریخ --

تیموریان، ۷۷۱ - ۹۱۱ ق. ۴. Iran -- History -- Timurids, 1370 - 1505. ۵. ایران -- اوضاع اجتماعی -- قرن ۹ ق.

۶. Iran -- Social conditions -- 15th century. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.

۹۵۵/۰۶۶

DSR ۱۰۸۸/م۳ز۹ ۱۳۹۸

۵۶۱۶۵۴۴

شماره کتابشناسی ملی



### زنان خاندان عصر تیموری

مؤلف: دکتر لیلا محمدی (عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر)

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: اعتصام

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسگری

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۸

تعداد: ۲۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۲۱۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) شماره: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۲۵-۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

## سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظرگرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی «ره»، بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۴۹۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این کتاب به عنوان کمک درسی برای دانشجویان رشته‌های تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و تاریخ گرایش ایران دوره اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری فراهم آمده است؛ البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم اثر، سرکار خانم دکتر لیلا محمدی و نیز از ارزیاب محترم سرکار خانم زهرا روح‌اللهی امیری سپاسگزاری کند.

## فهرست مطالب

مقدمه .....	۱
<b>فصل اول: نگاهی به سیر تحول پایگاه اجتماعی زنان</b>	
زمینه‌های شکل‌گیری فعالیت زنان در جامعه ایران .....	۷
نگاهی کوتاه به جایگاه اجتماعی زنان در غرب و دین اسلام .....	۹
معرفی و نقد منابع .....	۱۵
تاریخ‌های سلسله‌ای .....	۱۵
ظفرنامه نظام‌الدین شامی .....	۱۵
ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی .....	۱۶
عجائب المقدور فی نوائب تیمور .....	۱۸
مطلع سعدین و مجمع بحرین .....	۱۹
مجمع التواریخ سلطانیه .....	۱۹
تاریخ‌های عمومی .....	۲۰
روضه الصفاء فی سیره الانبیاء و الملوک و الخلفاء .....	۲۰
منتخب التواریخ نطنزی .....	۲۱
تاریخ‌های محلی .....	۲۲
تاریخ یزد .....	۲۲
روضات الجنات فی اوصاف مدینة هرات .....	۲۲
منابع ادبی .....	۲۳
۱. تذکره‌ها .....	۲۳
تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی .....	۲۳
تذکره بدایع الوقایع .....	۲۴
تراجم و شرح حال‌ها .....	۲۴
تذکرات تیموری .....	۲۴

۲۵	..... سفرنامه‌ها
۲۵	..... سفرنامه کلاویخو
۲۶	..... سفرنامه شیلت برگر

### فصل دوم: زنان، ایجاد اتحاد سیاسی (۷۴۷-۸۰۷ق / ۱۳۴۶-۱۴۰۵م)

۲۷	..... درآمد
۲۸	..... زندگی تیمور از آغاز تا دستیابی به حکومت
۳۱	..... نقش زنان در دستیابی تیمور به اهداف سیاسی قبل از رسیدن قدرت
۳۲	..... دوره سلطنت تیمور
۳۶	..... ازدواج‌های تیمور و خاندانش و نقش آنها در ارتقای موقعیت وی
۴۱	..... تأثیر ازدواج‌ها در رابطه تیمور با دولت‌های همجوار
۴۲	..... نفوذ سیاسی زنان در عصر تیمور
۴۶	..... زنان دودمان تیموری در صحنه‌های نبرد
۴۹	..... مرگ تیمور؛ دخالت خواتین در اداره امور

### فصل سوم: زنان، مشارکت در سیاست (۸۰۷-۸۵۰ق / ۱۴۰۵-۱۴۴۷م)

۵۱	..... درآمد
۵۲	..... خلیل سلطان اولین جانشین تیمور
۵۴	..... شادملک آغا و مشارکت او در حکومت خلیل سلطان
۵۸	..... دوره سلطنت شاهرخ
۵۹	..... قدرت و نفوذ سیاسی گوهرشاد
۶۰	..... قدرت گوهرشاد در دوران حکومت شاهرخ
۶۳	..... پایگاه سیاسی گوهرشاد پس از فوت شاهرخ
۶۸	..... قدرت سیاسی آغا بیگی، نوه تیمور

### فصل چهارم: زنان، مداخله در سیاست (۸۵۰-۹۱۲ق / ۱۴۴۷-۱۵۰۷م)

۶۹	..... درآمد
۶۹	..... اداره امپراتوری تیموری پس از مرگ شاهرخ
۷۲	..... ازدواج‌ها و نقش آنها در مناسبات جانشینان تیمور با دولت‌های همجوار
۷۳	..... زمامداری سلطان حسین بایقرا
۷۴	..... نفوذ سیاسی زنان درباری در عصر سلطان حسین بایقرا
۷۵	..... قدرت سیاسی پاینده بیگم، نیره امیر تیمور
۷۷	..... فیروزه بیگم، مادر سلطان حسین بایقرا
۷۸	..... خدیجه بیگم همسر سلطان حسین بایقرا
۸۰	..... پایگاه سیاسی خدیجه بیگم پس از سلطان حسین بایقرا

سیاست زهره بیگی آغا در پایان حکومت تیموری.....	۸۲
خانواده سلطنتی و نقش آن در ثبات سیاست داخلی و خارجی حکومت تیموری.....	۸۳

### فصل پنجم: نهاد خانواده، اجتماع و اقتصاد

درآمد.....	۸۵
نهاد خانواده؛ ساختار اجتماعی دولت تیموریان.....	۸۶
حرمسرای تیمور.....	۸۸
نهاد خانواده در دوره تیموری.....	۱۰۳
طلاق در خاندان تیموری.....	۱۰۷
نقش زنان درباری در تعلیم و تربیت شاهزادگان تیموری.....	۱۰۹
نهاد خانواده؛ اوضاع اقتصادی عصر تیموریان.....	۱۱۳
نقش زنان دودمان تیموری در فعالیتهای اقتصادی.....	۱۱۶
مالکیت و دارایی زنان.....	۱۱۷
کشاورزی و سیستمهای آبیاری.....	۱۲۱
ساخت و توسعه رباطها.....	۱۲۳
انگیزه‌های اقتصادی زنان دودمان تیموری در ایجاد موقوفات.....	۱۲۵

### فصل ششم: نهاد خانواده؛ فرهنگ و مذهب

تجلی فرهنگ و هنر در عصر تیموری.....	۱۳۱
زنان خاندان تیموری از نگاه نقاش‌های مینیاتوری.....	۱۳۳
پوشاک و ظواهر زنان خاندان تیموری.....	۱۳۶
زنان دربار تیموری و هنر معماری.....	۱۴۲
فعالیت‌های زنان خاندان تیموری در عرصه هنر.....	۱۴۵
زنان خوشنویس درباری.....	۱۴۶
زنان شاعر درباری.....	۱۴۷
زنان درباری تیموری و موسیقی.....	۱۵۰
زنان خاندان تیموری و علم‌آموزی.....	۱۵۱
سیاست مذهبی تیمور و جانشینانش.....	۱۵۲
زنان دربار تیموری و تأسیس بناهای مذهبی.....	۱۵۵
احداث خانقاه از سوی زنان خاندان تیموری.....	۱۶۲
موقوفات زنان خاندان دربار تیموری.....	۱۶۳
فعالیت زنان در نهضت حروفیه.....	۱۶۷
مذهب زنان خاندان تیموری.....	۱۶۹
سخن آخر.....	۱۷۱

### منابع و مأخذ

- الف) منابع اصلی ..... ۱۷۷
- تحقیقات جدید ..... ۱۸۰
- ب) مقالات ..... ۱۸۴
- ج) سفرنامه‌ها ..... ۱۸۸
- د) دانشنامه و فرهنگ‌ها ..... ۱۸۸
- هـ) منابع عربی ..... ۱۸۹
- و) منابع انگلیسی ..... ۱۸۹
- ز) پایان‌نامه‌ها ..... ۱۸۹

### پیوست‌ها

- تصاویر، نقشه‌ها و اسناد ..... ۱۹۱

### نمایه‌ها

- نمایه اشخاص ..... ۱۹۷
- نمایه مکان‌ها ..... ۲۰۱



## مقدمه

مطالعه درباره زنان سلطنتی تاریخ میانه ایران، تنوع در موقعیت زنان را نشان می‌دهد. محققان این تنوع را به وجود ایدئولوژی قدرتمند اسلامی و قوانین ترک-مغول مرتبط دانسته‌اند. در ارزیابی تاریخی زنان درباری در دوره تیموری با تجزیه و تحلیل نقش و موقعیت سیاسی-اجتماعی زنان که متأثر از ساختار قدرت سلطنتی است، می‌توان به بررسی عملکرد آنها در دربار و نوع فعالیت‌های که تعیین‌کننده پایگاه آنان در جامعه عصر خود هستند، پی برد. سلسله تیموریان (۷۷۱-۹۱۱ق/۱۳۶۹-۱۵۰۵م) به دست تیمور و در پی حکومت مغولان در ایران ایجاد شد. وی از میان طایفه برلاس، مغولان ترک مآب شده در الوس جغتایی<sup>۱</sup> که چادرنشینی می‌کردند، برخاست (باسورث، ۱۳۷۱، ص ۵۱۶). تیمور فلات ایران را از شبه قاره هند تا کرانه مدیترانه درنوردید و برای خود پایتختی دائمی در سمرقند ساخت. میراثی که وی برای بازماندگانش بر جای گذاشت شوکت و حشمت تیموریان را در شرق ایران در پی داشت (فراگتر، ۱۳۷۹، ص ۱۹). از آنجا که برنامه دقیق و مؤثری برای جانشینی‌اش وجود نداشت، از این‌رو، دارای سازمان‌بندی سیاسی دقیق در قلمرو خود نبود.

دولت تیموری از اجزای برخاسته از ساز و کار نظامی ترکی-مغولی و نیز آموزه‌های گوناگون فرهنگ اسلامی تشکیل شد که پس از مدتی با قالب ایرانی هماهنگ شد. عالی‌ترین نمونه از این نوع پیوند را می‌توان در سلطنت الغ بیگ در سمرقند یافت، وی در زمان سلطنت پدرش شاهرخ که به دقت براساس احکام شریعت اسلامی حکومت می‌کرد، توانست برای

---

۱. الوس، معادل تعبیرهای جدید «کشور» و «ملت» است و جغتایی، قلمروی بود که در زمان حیات چنگیزخان (۶۲۴ق) به پسر دوم او جغتای (۶۳۹ق) رسید (فیاض انوش، ۱۳۸۸، ص ۶۶).

اداره دولت از دل‌بستگی‌اش به یاسا و سنن چنگیزخان بهره بگیرد (بارتولد، ۱۳۳۶، ص ۸). درچنین فضائی، زنان در دربار، عضو جدایی‌ناپذیر طبقه حاکم و افراد نزدیک به حاکم بودند، نقش و موقعیت سیاسی آنان از ساختار قدرت سلطنتی تأثیر می‌پذیرفت، از این‌رو، بر عملکرد آنها در زندگی سیاسی، و قانونمند بودن فعالیت‌های آنها تأثیر می‌گذاشت، البته بخشی از این قدرت مربوط به پیش‌زمینه فرهنگی ترک-مغول و بخشی مربوط به مرکزیت روابط خانوادگی در سیاست و قانون‌گذاری سلسله تیموری بود (Nashat and Beck, 2003, p123). بدین‌سان، با این رویکرد، از یک‌سو ساختار درونی نظام ایلی و سلسله مراتب زنان و مؤلفه‌های قدرتشان بررسی خواهد شد. در این بررسی، ساختار سیاست‌های تیمور و نقش سیاسی زنان در اتحاد و مشارکت با سیاست‌ها و برنامه‌های حاکمان تیموری مورد نظر خواهد بود، از سویی دیگر، در بررسی تثبیت جایگاه زنان در سیاست، رابطه آنان با حکومت ملاحظه می‌شود. در این رابطه به عوامل سازگاری و ناسازگاری زنان با حکومت وقت توجه خواهد شد، سپس با نگاهی به سیر تحول پایگاه سیاسی و اجتماعی زنان، ابعاد قدرت‌گیری و چگونگی دخالت آنان در سیاست مطرح می‌شود.

موضوع بعد نقش زنان در تحولات مربوط به اوضاع اجتماعی و اقتصادی است. با بررسی پایگاه اجتماعی زنان خاندان تیموری، نقش آنان در دربار، به‌عنوان قشری که متأثر از ساختار قبیله‌ای است و با توجه به فرهنگ ایلی خود در طول حکومت تیموری دست به فعالیت‌های گوناگون در جامعه زده‌اند، مورد توجه این پژوهش خواهد بود، همچنین درباره تأثیر متقابل ایدئولوژی اسلامی که موجب ایجاد پایگاهی ارزشمند برای زنان دودمان تیموری در سلسله مراتب قدرت اجتماعی بوده، گفتگو شده است. برای نمونه، آنان در حوزه اجتماعی دربار بسیار فعال بوده و در مجالس رسمی مربوط به اعیاد، جشن‌ها و مراسم گوناگون سوگ و جز اینها حضور فعال داشته‌اند.

در زمینه پایگاه اقتصادی زنان خاندان تیموری، نخست حیات اقتصادی عصر تیموریان بررسی می‌شود و به توجه تیمور و شور و علاقه شاهزادگان و حاکمان تیموری به اوضاع اقتصادی و نتایج مطلوبی که ارائه می‌دهد، پرداخته خواهد شد؛ زیرا آنها به دشت به بازسازی شهرها، به‌ویژه در مقر حکومتی‌شان توجه می‌کردند تا بدین وسیله، با توجه به قدرت و رفاه اقتصادی، جایگاه سیاسی و فرهنگی خود را ارتقا بخشند (فراگنر، ۱۳۷۹، ص ۱۴۰). در این

راستا می‌توان به سلطنت شاهرخ (۸۰۷-۸۵۰ق) اشاره کرد که وی با بازسازی شهرها و روستاها و مکان‌های تخریب شده رونق اقتصادی ایجاد کرد (بلندی، ۱۳۸۹، ص ۱۵)، یا از شاهزادگان دیگر همچون ابوسعید تیموری (۸۵۵-۸۷۳ق) و حسین بایقرا (۸۷۳-۹۱۱ق) یاد می‌شود که توانستند در مقایسه با دوره متقدم تیموریان و دوره‌های میانی، نوعی ثبات برقرار سازند، همچنین درصدد بودند تا پشتوانه اقتصادی لازم را برای فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی خویش ایجاد کنند. از این‌رو، همراهی زنان درباری در رفع مشکلات اقتصادی حکومت تیموری، با توجه به سنت‌های ایلی در شکل اقتصادی، موقعیت ویژه‌ای برای زنان درباری فراهم آورد که از مباحث مهم این موضوع است.

موضوع آخر، نقش زنان خاندان تیموری در تحولات فرهنگی و مذهبی است، که به دلیل تجلی فرهنگ و هنر در این دوره و همچنین تسلط دین و مذهب بر جنبه‌های مختلف زندگی، بررسی خواهد شد؛ زیرا ماهیت متمایز دوره تیموری نه نظامی بود و نه سیاسی، بلکه در این دوره، جوشش و غلیان شگفت‌انگیزی از حیات فرهنگی-فکری رخ داد که عناصر ایرانی و ترکی تحت نظارت تیموریان در شکل‌گیری آن سهم داشتند و پشتیبانی شماری از شاهزادگان، مشوق کسانی بود که در آن حوزه فعالیت می‌کردند.

از بارزترین نکته‌ها در مسائل فرهنگی-مذهبی، می‌توان به بناهای امپراتوری تیموری اشاره کرد، که شماری از آنها تاکنون باقی مانده‌اند و توصیف شماری دیگر از سوی نویسندگان آن روزگار که برخی از آنان از سیاحان اروپایی بودند، ارائه شده‌اند. از این بناها به‌عنوان شاهدهی ارزنده بر شکوفایی معماری اسلامی در این دوره یاد شده است. یکی از ویژگی‌های بارز آنها وابستگی‌شان به سنین معماری موجود به‌ویژه (البته نه انحصاری) سنین معماری ایرانی است، و دیگر التقاطی بودن است. البته نمی‌توان از این اشاره نیز گذشت که خود سلیقه شخصی درباریان هم انگیزه جدیدی به خلاقیت هنری بخشیده است (مظاهری، ۱۳۷۶، ص ۴۶-۵۰).

از این لحاظ، زنان خاندان تیموری نیز در زمینه تأسیس بناهای مذهبی و عام‌المنفعه تلاش فراوانی کردند که از آن جمله می‌توان از بی‌بی خانم همسر تیمور نام برد که مسجد جامع سمرقند به نام اوست (ابریشمی، ۱۳۶۷، ص ۱۳۷). همچنین گوهرشاد، همسر شاهرخ، مسجدی موسوم به مسجد گوهرشاد را در مشهد پی افکند (قصایبان، ۱۳۸۴، ص ۱۰۶). مسلم است که این اقدامات موجب اعتلای پایگاه فرهنگی و مذهبی نامبردگان شده است. در این مبحث بدین

پرسش پاسخ داده می‌شود که: زنان چه گرایش‌های فرهنگی‌ای داشتند و چه تدابیری برای پیشبرد فرهنگ در پیش گرفتند؟ از این‌رو، ضمن ارائه مهم‌ترین مطالب درباره زندگی برخی زنان درباری، از تکاپوهای فرهنگی و معماری این شخصیت‌ها به شیوه‌ای گسترده سخن به میان آمده، همچنین آفرینش‌های فرهنگی و ادبی زنان خاندان تیموری نیز بررسی خواهند شد.

در جایگاه مذهبی زنان خاندان تیموری، ضمن بررسی سیاست مذهبی تیمور و بازماندگان حکومت تیموری، از دیدگاه‌های مذهبی زنان درباری و تلاش‌ها و فعالیت‌های عمرانی آنان در تأسیس بناهای مذهبی گفتگو شده است و از آنجا که تأکید اصلی این مباحث بر عنصر مذهب بوده، از موقوفات زنان خاندان تیموری نیز سخن به میان آمده است.

از این‌رو، با مباحثی که در رابطه با نقش‌های گوناگون زنان دربار تیموری در امور سیاسی و مشارکت و مداخله آنها مطرح شدند، و نیز از مراحل گوناگون حضور زنان در تحولات اجتماعی و اقتصادی و سرانجام در تحولات فرهنگی و مذهبی سخن به میان آمد، این نتیجه قابل دستیابی است که افزون بر وجود زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی بر مبنای ماهیت ایلیاتی، با تلفیق سنت قبیله‌ای با آموزه‌های اسلامی، انگیزه‌ای برای تکاپوهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی - مذهبی زنان دربار تیموری فراهم شد، به گونه‌ای که نقش و تأثیر این حرکت‌ها در دوره‌های بعد تداوم داشت.

روش استفاده شده در این پژوهش، روش تاریخی است؛ از آنجا که یکی از ویژگی‌های اصلی رویدادهای تاریخی، تکرارناپذیری آن به دلیل تعلق به گذشته است، از این‌رو، برای بررسی و بازسازی رویدادهای گذشته با تکیه بر سه خصلت انتقادی، توصیفی و مقایسه‌ای، می‌توان به تحلیل و استنتاج ذهنی وقایع پرداخت. از این‌رو، با نگاه انتقادی به اختلاف‌ها و همانندی‌ها و تکرارناپذیری‌ها در یک رویداد تاریخی می‌توان دریافت که مقایسه این اختلاف‌ها و تلاش برای درک و تشریح علل و اسباب آن موجب دست یافتن به ماهیت پدیده‌های مطالعه شده در تبیین تاریخی می‌شود (ساروخانی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۷۹ و ۱۹۴).

با توجه به اینکه منابع و مآخذ و تحقیقات جدید مشحون از خطاها و کاستی‌ها و تناقض‌هایند. این پژوهش کوشیده است تا تنها به گرد آوردن و کنار هم قرار دادن بسنده نکند و با طرح پرسش‌ها و احتمال‌های مختلف به درک علل احتمالی نزدیک شود و به بررسی تحلیلی و انتقادی بپردازد.

درباره تاریخ زنان درباری در دوره مورد بحث تاکنون پژوهشی روشمند و علمی انجام نشده است. برخی پژوهش‌ها که به سراسر دوران تیموری مربوط می‌شوند، مانند تألیفات عبدالحی حبیبی، بارتولد، فوربز منز، تاریخ ایران کمبریج، هارولد لمب، حسین میرجعفری، درباره جنبه‌های مختلف این دوره تاریخی، آثاری به صورت کتاب پدید آورده‌اند و تنها اشاره‌ای کوتاه به جایگاه زنان خاندان تیموری در دربار داشتند. درباره زندگی، فعالیت‌های اقتصادی-فرهنگی، مذهبی و سیاسی زنان خاندان تیموری که از آنها سخن گفتیم. بیشتر آثار به صورت مقاله به این حوزه‌ها پرداخته‌اند. هرچند مستقل و فراگیر به جایگاه زنان دربار تیموری پرداخته نشده، ولی مطالب مطرح شده بسیار ارزنده و درخور اعتنایند و این پژوهش در حد امکان از چنان آثاری بهره گرفته‌اند.

این کتاب متکی است بر رساله دکتری که نگارنده در سومین فصل تحصیلی سال ۱۳۹۵ش، به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز ارائه کرد. در اینجا از شورای محترم پژوهشی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم و مدیر گروه محترم تاریخ حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر رمضان محمدی سپاسگزارم که این کتاب را برای چاپ پذیرفتند. از استاد گرانقدرم پروفیسور سیدابوالقاسم فروزانی و از استادان دانشمند پروفیسور عبدالرسول خیراندیش و جناب آقای دکتر احمد فضل‌نژاد که با صبر و بردباری در رفع کاستی‌های این پژوهش راهنمایم بودند، کمال امتنان را دارم. از استادان محترم و بزرگوار پروفیسور حسین میرجعفری و جناب آقای دکتر محمدعلی رنجبر که با دیدگاه‌های ارزشمند خود در راستای تکمیل این پژوهش یاری‌ام دادند، سپاسگزاری می‌کنم. از جناب آقای دکتر محمدباقر خزائیلی برای پیشنهاد چاپ این کتاب و راهنمایی‌های ارزنده ایشان کمال تشکر را دارم. از راهنمایی‌ها و صبوری و داوری سرکار خانم دکتر روح‌الهی امیری و تلاش بی‌دریغ جناب آقای اسماعیل یارمحمدی و از همه سروران ارجمندی که در طی مراحل تحقیق و چاپ کتاب، بنده را یاری کردند، کمال تشکر و قدردانی را دارم و از خداوند متعال برای همه آنان سلامت و طول عمر آرزومندم.

لیلا محمدی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد ابهر



## فصل اول

### نگاهی به سیر تحول پایگاه اجتماعی زنان

#### زمینه‌های شکل‌گیری فعالیت زنان در جامعه ایران

در طول تاریخ بشر، آنچه هویت زنان و مردان را تعیین می‌کند، تشکیل جوامع انسانی در عرصه خصوصی (خانواده) و عرصه عمومی (اجتماع، سیاست، اقتصاد و...) است. با گذر زمان، به دلیل تغییراتی که در نهادهای مختلف، چون سیاست، فرهنگ و اقتصاد رخ می‌دهند؛ نقش‌های کلیشه‌ای برای زنان و مردان جامعه زمان خود ایجاد شده‌اند.

بر این پایه، با توجه به نظریاتی که در جامعه‌شناسی ارائه شده‌اند، عوامل مؤثری که در نظام‌های اجتماعی به تحلیل و توصیف کنش‌های جمعی می‌پردازند، شامل زنان و مردانی می‌شوند که از ساخت‌های اجتماعی آنها تحت عنوان شرایط اجتماعی عمومی می‌توان یاد کرد و رابطه میان فرد و جامعه همان رابطه میان فرد و ساختارهای اجتماعی به‌طور عام است. با این تفسیر، سه مؤلفه در کنش جمعی فعال‌اند: افراد با رفتار خود، برنامه یا طرح عمل (روابط) و زمینه اجتماعی (جامعه) (زاهد، ۱۳۸۱، ص ۳۱).

به لحاظ هستی‌شناسی، همه این سه مؤلفه اصالت و فاعلیت خاص خود را دارند و هیچ‌یک از آنها موقعیت ممتازتری بر دیگری ندارد. چون هیچ‌یک از نظام‌های اجتماعی در حالت متعادل کاملی قرار ندارد، و به لحاظ شناخت‌شناسی رابطه‌ای متقابل میان سه مؤلفه یاد شده حاکم است، نه رابطه علت و معلولی. از این‌رو، نوع اتصالشان با یکدیگر، ابعاد زمان و مکان است که به هم پیوند می‌خورند و آنچه مقصد و هدف این کنش‌ها را نشان می‌دهد مفهوم «جهت» است (همان، ص ۳۱-۳۲). از این نظر، باید اذعان داشت که در سطح کلان، جامعه به‌عنوان یک نظام از سه جزء، سیاست، اقتصاد و فرهنگ تشکیل شده است که همه

اجتماع را می‌سازند. این اجتماع با توجه به موقعیت جغرافیایی هویت خاص خود را پیدا می‌کند و این هویت در چارچوب موجودیت سیاسی بر پایه مؤلفه‌هایی چون سرزمین، جمعیت و حاکمیت پایداری می‌یابد.

با توجه به مطالب یاد شده، مکان مورد مطالعه این پژوهش، از یکسو، آسیای مرکزی و شرقی، از دریای اُختسک تا دریای خزر است که ویژگی‌های طبیعی گوناگونی همانند کوه، دشت، نجد، صحرا، دره‌های حاصلخیز و ریگزارها را شامل می‌شود و ساکنان آن بیشتر با چادرنشینی و صحراگردی روزگار می‌گذرانند و از سویی دیگر، ماوراءالنهر است که میان جیحون و سیحون و کوهستان‌های غربی پامیر قرار گرفته و به اقتضای اوضاع طبیعی این مناطق در قسمت‌های حاصلخیز، زندگی شهرنشینی جریان داشته است (اقبال، ۱۳۷۶، ص ۱-۵). همچنین منطقه مورد مطالعه فلات ایران است، که در بستر جغرافیایی خود با ویژگی‌های طبیعی ویژه و موقعیت ژئوپولیتیکی توانست، عامل تعیین‌کننده‌ای در حیات اجتماعی و ابعاد مختلف زندگی با مؤلفه‌های یاد شده در نظریات جامعه‌شناسی داشته باشد. با این نگاه، افراد جامعه ایران که در قالب سه گونه زندگی عشایری، روستایی و شهری، ساختارهای جمعیتی آن را تشکیل می‌دادند در طول تاریخ نقش مؤثری در رخدادها و حوادث تاریخی این منطقه داشتند. در این نوشتار مکان مورد مطالعه، فلات ایران و ارتباط آن با همسایگان مرزی در شرق در دوره میانه تاریخ ایران است.

با الهام از مطالب یاد شده و با توجه به اینکه نحوه شکل‌گیری حکومت‌های ایران بیشتر بر مبنای ایللی و قبیله‌ای بوده، از این‌رو، ساختار درونی نظام ایللی و سنت‌های آن و رابطه میان فرد و ساختارهای اجتماعی در زمان و مکان خاص خود بر رابطه متقابل با نهاد‌های سیاست، فرهنگ و اقتصاد تأثیرگذار بوده است. در این راستا، هسته اصلی جامعه ایللی و عشایری؛ خانواده به‌عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی نقش بسزایی را ایفا می‌کرد. چنان‌که ابن‌خلدون می‌نویسد: سازمان اجتماعی جامعه کوچ‌نشینی مبتنی بر خویشاوندی و عصبيت است (ابن‌خلدون، ۱۳۴۷، ج ۱، ص ۳۳۹؛ شهبازی، ۱۳۶۹، ص ۲۱-۲۴) و این خانواده که با ازدواج زن و مرد به صورت چند همسری تشکیل می‌شود، اقتدار مرد در خانه و برتری وی مسلم و مقام زن به‌عنوان عضو محترم یا ناموس خانواده تثبیت می‌شود. با تقسیم مسئولیت میان زن و مرد، کارهای مربوط به زراعت، تأمین امنیت و امور شبانی بر عهده مرد قرار می‌گرفت و امور مربوط به پخت و پز،



حمل آب، جمع‌آوری هیزم، دوشیدن حیوانات، درست کردن وسائل و ابزار مربوط به خانه‌داری، تهیه فرآورده‌های لبنی، صنایع دستی و بچه‌داری بر عهده زن بود. به دلیل بر عهده داشتن مسئولیت‌های سنگین کارهای خانه؛ زن ایلی گاه برای انتخاب بانویی جوان برای همسر میانسال خود پیشگام می‌شد که پس از ازدواج، نه تنها موقعیت او در خانه تنزل نمی‌یافت، بلکه در جایگاه بانوی بزرگ مدیریت امور خانه را به عهده می‌گرفت (شعبانی، ۱۳۷۴، ص ۷۹).

با این اوصاف، خانواده به‌عنوان نخستین و مهم‌ترین کانون حیات اجتماعی و واحدی مستقل، افزون بر فرزندآوری و تربیت آنان، به انتقال فرهنگ، آداب، سنت و مهارت‌ها به فرزندان؛ زمینه‌های رشد و فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی، نظامی، سیاسی و مذهبی را در جامعه تأمین می‌کرد (اله یاری، ۱۳۹۱، ص ۴۶-۴۷). در نتیجه این ضوابط و مقررات و در رأس آنها اتفاق مساعد و همیاری میان زن و مرد که اصول اساسی نهاد خانواده را تشکیل می‌داد، معرف آنها برای کسب هرگونه موقعیت و مقام و منزلت اجتماعی تلقی می‌شد. از این‌رو، به مرور زمان و تحت تأثیر شرایط، ساختار اجتماعی یاد شده، منشأ تحولات سیاسی و تاریخی شد و بسیاری از حکومت‌های تاریخ ایران با خاستگاه ایلی و تکیه بر ایلات و قبائل، به قدرت رسیدند. به‌ویژه در شرق ایران، در ماوراءالنهر که با هجوم‌های نظامی مکرر از طرف عناصر جدید ترک و مغول و ازبک و ترکمن و... موجب شکل‌گیری حکومت‌های محلی گوناگون شد، ولی سرانجام سلطه اساسی سیاسی، معنوی و فرهنگی با حاکمیت وقت در فلات ایران بود.

### نگاهی کوتاه به جایگاه اجتماعی زنان در غرب و دین اسلام

از آنجا که سخن ما پردازش فعالیت‌های زنان در نهادهای مختلف حکومتی با تکیه بر جایگاه اجتماعی زن در این‌گونه ساختار جمعیتی است بر این اساس، با الهام از نظریات یاد شده در مبحث پیش‌گفته جایگاه و منزلت زنان با تکیه بر ایدئولوژی اسلامی بررسی می‌شود و به دلیل آنکه یکی از عوامل قدرت گرفتن زنان، به‌ویژه در ماوراءالنهر و شرق ایران، ایدئولوژی اسلام است در آغاز دیدگاه‌های متفاوت نسبت به این جایگاه مطرح می‌شود.

مسئله زن در جهان اسلام که جامعه جهانی را متوجه خود ساخته، از یک سو نگاه مغرضانه غرب به اسلام را به دنبال داشته است و از سوی دیگر، دیدگاه مدعیان مسلمانی که مروج خشونت و افراطی‌گرایی بودند، موجب شد تا چهره‌ای نادرست و وارونه از اسلام و آموزه‌ها و

معتقدان به آن در سطح جهانی، به‌ویژه در عرصه تاریخ و تاریخ‌نگاری عرضه شود. این در حالی است که موقعیت و جایگاه زن به لحاظ جنسیت در طول تاریخ در موضع فرو دستی قرار داشته و تبعیض را با همه وجود تجربه کرده است. حتی در برخی موارد نقد و ارزیابی غیرمنصفانه درباره‌ی وی انجام می‌شود. به‌ویژه در اروپا که زنان به دلیل جنسیت‌شان تحقیر شده و با غفلت مواجه شده‌اند. به‌گونه‌ای که در مکاتب جدید تاریخ‌نگاری از قرن هجدهم به این سو، از جمله مکتب آنال در قلمرو گسترده خود به بحث از علوم مربوط به انسان پرداخته‌اند و حتی توجه خود را از رویدادها و شخصیت‌های سیاسی، به طبقات اجتماعی، چون چوپانان و دهقانان منعطف کردند، ولی مشخص نبود که آیا زنان به منزله یک قشر اجتماعی محروم می‌توانستند در ردیف همان چوپانان و دهقانان قرار بگیرند؟ (فصیحی، ۱۳۸۸، ص ۶۱ و ۶۲). البته بیش از آن، رانکه -مورخ آلمانی- بنیان‌گذار علم تاریخ (م ۱۸۸۶م) در رویکرد سیاسی خود به تاریخ، برای زنان به منزله موضوع تاریخ یا مورخ جایگاهی در نظر نگرفته بود. همچنین بورکهارت -مورخ سوئیسی- که در واکنش به تاریخ سیاسی رانکه، تاریخ فرهنگی را ایجاد کرد و در سه اثر بزرگ خود که فرهنگ اروپا را در یونان باستان، امپراتوری روم در عهد کنستانتین و ایتالای عهد رنسانس مطرح کرد، نگاه متفاوت زنان را در ساختن فرهنگ این سه عصر در نظر نگرفت.

در مباحث یاد شده به زندگی مردان حذف شده از صحنه تاریخ، مانند کارگران و اقلیت‌های نژادی و قومی پرداخته شد، ولی به زنان توجهی نشد. فقط در تاریخ‌نگاری مارکیستی بود که ریشه ستم بر زنان در سرمایه‌داری و مالکیت خصوصی دیده شد؛ هرچند زنان همچنان جزء عوامل ثانوی باقی ماندند. برای مثال، در انگلیس تا اواخر سده نوزدهم، زن شوهردار موقعیتش در سطح یک فرد سفیه یا سطح پایین بود، او به هنگام ازدواج اموال و دارایی خود را به شوهرش منتقل می‌کرد (ستاری، ۱۳۸۴، ص ۴۰).

هرچند، منشأ ستم بر زنان در جهان غرب تنها شرایط اقتصادی و تاریخی نبود، بلکه جنبه‌های بیولوژیکی و روانی نیز در این بهره‌کشی سهمیم بودند. در حقیقت ظهور سه موج فمینیستی به‌طور مشخص از سده نوزدهم به این سو، حقوق و مطالبات زنان را با جدیت فراوان مطرح کرد (فصیحی، ۱۳۸۸، ص ۶۳-۶۵). این در حالی است که به نظر شاهدان غربی همچون رونالد جنکینز (م ۱۹۷۵م) زنان در اجتماع و اقتصاد تمدن اسلامی دارای جایگاهی پست و پایین بوده‌اند، یا بیشتر نویسندگان اروپایی و صاحب‌نظران متعلق به سده نوزده و ابتدای سده بیستم، فرهنگ و

قوانین اسلامی را سرکوبگر زنان دانسته‌اند (همبلی، ۱۹۹۸، ص ۳-۴). نشأت در کتاب زنان در ایران، از طلوع اسلام تا ۱۸۰۰م. می‌نویسد: ایدئولوژی اسلامی، زنان سلطنتی را در خاورمیانه منزوی کرد، ولی قوانین ترک و مغول به آن زنان، موقعیت بالایی در جامعه بخشیده است (نشأت، ۲۰۰۳، ص ۱۲۱). درحالی‌که، دین اسلام فعالیت‌های سیاسی زنان را نه تنها جایز، بلکه ضروری می‌داند. از دیدگاه اسلام، زن همانند مرد می‌تواند در امور سیاسی دخالت کند. در دستگاه حاکمیت و قدرت سهم داشته باشد و هیچ مانعی در این زمینه وجود ندارد (حسینی، ۱۳۸۰، ص ۸۱). به‌ویژه در برابر هجوم کفار و مشرکان، اعم از هجوم فرهنگی و نظامی، زن می‌تواند نقش مهمی ایفا کند. همچنین از دیدگاه اسلام، زن مسلمان نباید به بهانه پرداختن به فعالیت‌های سیاسی، وضعیت خانوادگی را آشفته سازد و نباید به بهانه پرداختن به امور خانه، یکسره فعالیت سیاسی را کنار بگذارد. همانند حضرت فاطمه علیها السلام که در کنار انجام امور داخلی خانواده و تربیت فرزندان فعالیت سیاسی خود را در دفاع از حق و حقیقت انجام می‌دهد (ارسطا، بی‌تا، ص ۱۴۶).

خداوند متعال در قرآن کریم، هنگام توصیف منشأ خلقت انسان‌ها، خطاب به آنان می‌فرماید: «ای مردم! ما شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آنگاه شعبه‌های بسیار و فرقه‌های گوناگون گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید. بزرگوارترین شما نزد خدا بانقواترین شماست» (حجرات، ۱۳). این آیه به انسان‌ها می‌آموزد که آنان از یک مرد و یک زن خلق شده‌اند. و بر این معنا دلالت دارد که زن و مرد از دیدگاه ماهیت انسانی خود، در یک سطح قرار دارند. مؤلف کتاب سیمای زن در فرهنگ ایران، به نقل از محمد عزیز لهیبی - محقق مراکشی - درباره جایگاه و شخصیت زن در دین مبین اسلام چنین می‌نویسد: «اسلام قائل به "شخصانیت" (مفهومی گسترده‌تر از فردیت و ذاتیت) زن است ... و زن، در اسلام چون دارای حقوقی (فقهی، خانوادگی، انسانی و...) است، شخص و صاحب ذات و فردیتی شاعر به نفس خود است و این ذات و فردیت خودآگاه، اساس و مبنای اجتماعی دارد. اسلام زن را از یوغ قبیله و نواهی و محرمات و عادات جاهلی رها کند و به او اختیاراتی اساسی بخشید و نیز پایگاهی اعطا کرد که به وی مجال و امکان می‌دهند تا آزادی‌های دیگر (از جمله: حقوق سیاسی، حق کار و...) کسب کند. حتی ابن حزم (۳۴۸-۴۵۶ق) در الفصل فی الملل و الالهواء و النحل، معتقد است: «زن می‌تواند به مقام نبوت نائل آید» (ستاری، ۱۳۸۴، ص ۳۷). خداوند متعال در سوره بقره آیه ۱۴۳ می‌فرماید: «و این چنین شما را امت میانه‌ای قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر هم بر شما گواه است».

با این اوصاف، براساس احکام قرآنی، زنان دارای شخصیتی حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مستقل هستند. و با ظهور اسلام این دگرگونی‌های عمیق در حقوق زنان ایجاد شد و شأن و منزلت زنان بالارفت (آیینه‌وند، ۱۳۸۴، ص ۶-۱۰). در آیه نخست سوره نساء آمده است: «ای مردم! خدا همه شما را از "نفس واحده" آفرید و از آن، جفت او را نیز خلق کرد، و از آن نفس واحده در اطراف عالم مردان و زنان بسیاری را برانگیخت». در این آیه، بدین موضوع اشاره شده است که زنان و مردان و همه انسان‌ها از یک منشأ - یعنی یک خانواده یا یک پدر و مادر - خلق شده‌اند. این آیه نشان می‌دهد که زنان در انسان کامل بودن با مردان سهیم و برابر هستند. هرچند پس از رحلت پیامبر ﷺ، پدید آمدن اختلاف‌های جانشینی و ایجاد فرقه‌های مختلف، موجب شد شرایط زنان نیز تحت تأثیر عرف و آداب زمانه که برگرفته از دین و ارزش‌های گذشته اجتماعی و محیطی بود، قرار بگیرد و در عمل از مسیر اصلی خود منحرف شود؛ یعنی ترکیبی از اسلام و ارزش‌های اعراب جاهلی به مرور حقوقی را که زنان در اسلام داشتند، از آنان سلب کرد و طبق آن آداب و رسوم جاهلی، مرد قدرت مطلقه، و حق تصرف در احوال و اموال زن را یافت و دنیای زن و مرد از هم جدا و در نتیجه زن به درون خانه محدود شد که این فرهنگ در دوران خلفای اموی و عباسی همانند میراثی به ممالک فتح شده رسید. هرچند مقتضیات قومی و فرهنگی و اجتماعی جایگاه و پایگاه خود را حفظ کردند. برای مثال، زنان عشایر و روستایی و بادیه‌نشین نسبت به زنان شهری آزادتر می‌زیستند (ستاری، ۱۳۸۴، ص ۹۶-۹۸).

بر این اساس، ایران نیز با توجه به موقعیت جغرافیایی، دارای ترکیب جمعیتی با ساختار و سازمان اجتماعی خود بود که با ویژگی متحرک بودن جامعه ایلی، خودگردانی، شجاعت و جنگاوری عناصر ایلی و به‌ویژه جغرافیای کوچ‌نشینی، زمینه‌های حضور فعال زنان آن را در نهادهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در صورت به قدرت رسیدن آن ایل فراهم می‌آورد. از این نظر، به بررسی کوتاه جایگاه اجتماعی زنان ایران پرداخته می‌شود.

پس از ورود اسلام به ایران و تشکیل نخستین سلسله ایرانی طاهریان (۲۰۵ق) در خراسان، تا آغاز حکومت غزنویان به مدت ۱۸۵ سال سلسله‌های مختلف ایرانی همانند سامانیان، صفاریان، آل‌محتاج، آل‌مأمون، باوندیان، آل‌بویه و... توانستند استقلال نسبی ایران را احیا کنند. در این مدت زنان توانستند با توجه به وضعیت و موقعیت خانوادگی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دست به فعالیت بزنند.

مصادف با طلوع اسلام، در عرصه سیاست، نخستین بانوی ایرانی به نام «آزاد» در یک نهضت اجتماعی قیام کرد. وی همسر شهریار پسر بازان، نایب السلطنه ایران در یمن بود که پس از کشته شدن همسرش، فرماندهی سپاهیان را به عهده گرفت (بیهقی، ۱۳۵۲، ص ۷۰-۷۲). وقتی پیامبر ﷺ از فداکاری‌های این زن مطلع شدند در حق ایشان دعا کرد (معارفی، ۱۳۵۰، ص ۸). از دیگر زنان مشهور تاریخ سیاسی ایران، پوران خاتون، مادر حسن میمندی، مشهور به حسنگ وزیر، است. او دارای دو فرزند پسر بود که یکی، وزیر محمود و مسعود غزنوی و دیگری هم در دستگاه دیوانی بود. او مشاور فرزند بزرگش، حسنگ وزیر بود (تاریخ آل بویه، بی تا، ص ۲۲).

سیده ملکه خاتون، همسر فخرالدوله دیلمی (۳۶۶-۳۷۸ق) که به نیابت سلطنت فرزند خردسالش مجدالدوله در ناحیه ری رسید، با درایت تمام اوضاع آشفته کشور را به لحاظ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی سر و سامان داد. وی نخستین فرمانروای زن ایرانی مسلمان پس از اسلام بود (توکلی، ۱۳۸۷، ص ۳۹). همچنین زبیده، همسر هارون الرشید، خلیفه عباسی، به عنوان یک زن ایرانی توانست نقش مهمی در سیاست‌پردازی‌های همسرش داشته باشد (نوروزی، ۱۳۸۷، ص ۵۳).

ترکان خاتون، همسر ملکشاه سلجوقی، از زنان توانای تاریخ ایران محسوب می‌شود که در مسائل سیاسی مشاور همسرش بود. وی در حکومت ملکشاه سلجوقی، در خدمت همسر خود و مخالف سرسخت خواجه نظام‌الملک، وزیر ملکشاه بود و بسیار آبادی‌ها را ساخت (مصفا، ۱۳۷۵، ص ۱۰۵).

در عرصه فرهنگ، پوران (۱۹۲-۲۷۱ق) دختر حسن بن سهل (۲۳۶ق)، وزیر معروف مأمون خلیفه عباسی (۱۹۸-۲۱۸ق)، با مأمون ازدواج کرده و توانست در نجوم و ریاضیات مهارت فراوان به دست آورد (مشیر سلیمی، ۱۳۳۷) رابعه قزدار،<sup>۱</sup> دختر کعب امیر بلخ و از اهالی قزدار و معاصر رودکی (۳۲۹ق)، که نخستین زن صاحب دیوان فارسی بود که اشعارش در دربار امیر نصر سامانی (۳۰۱-۳۳۱ق) در بخارا خوانده می‌شد (صدر، ۱۳۲۴، ص ۱۲۲-۱۲۹).

در عرصه اقتصاد، زاهده خاتون (۵۴۳ق) همسر اتابک بُزابه (۵۳۲-۵۴۳ق) حاکم فارس که به کمک همسرش به امور کشورداری پرداخت و مدرسه‌ای بسیار عالی در شیراز ساخت و املاک بسیار برای آن وقف کرد. اُمّ‌جعفر، همسر یحیی برمکی و مادر جعفر و فضل

۱. قصداری، شهری قدیمی در سیستان.

(۱۷۰-۱۹۳ق) ثروت و مال و مکنت فراوانی را در اختیار گرفتند (رجبی، ۱۳۷۴، ص ۷۶). بدین سان، زنان ایرانی مسلمان تا به قدرت رسیدن ترکان و سپس مغولان در ایران، الگویی از اقتدار و درایت را نشان دادند. هرچند حاکمیت زنان ایرانی در مسند پادشاهی پیش از اسلام در ایران کاملاً مشهود است، ولی تلفیق سه عامل مهم در حاکمیت، زن، ایرانی و اسلام با عناصر مهم حکومتی که شامل پشتوانه‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی بود، زمینه فعالیت‌های زنان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی را در جامعه ایرانی فراهم آورد (توکلی، ۱۳۸۷، ص ۵۸).

با به قدرت رسیدن قبائل متعدد ترک و مغول<sup>۱</sup> بنابر آداب و سنت شیوه زندگی ایلی و عشایری زنان نیز توانستند به سهم خود با قدرت‌یابی همسرانشان از این فرصت استفاده کرده و با پشتوانه سیاسی، اقتصادی و نظامی و به‌ویژه ایدئولوژیکی به ایفای نقش بپردازند. بیانی می‌نویسد: «زن و مرد در قبائل ترک تقریباً از حقوق مادی و معنوی مساوی برخوردار بودند. زنان در کار خانواده، گردش چرخ اقتصادی، جنگ و امور گوناگون دیگر قبیله همراه همسران خود مشغول فعالیت می‌بودند، ثروت خویش داشته‌اند، مقاماتی نائل می‌شده‌اند و در مواقع لزوم، زمام امور قبیله و یا ایل را در دست می‌گرفته‌اند» (بیانی، ۱۳۵۲، ص ۱).

در نتیجه باید اذعان داشت با توجه به ساختار اجتماعی و عملکرد کنشگر در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در هر نوع از جامعه در هر زمانی تحت یک برنامه خاص و ایدئولوژیک، زنان به اقتضای محیط و موقعیت خانوادگی و به‌ویژه قدرت‌یابی همسرانشان در چارچوب شرایط موجود فعالیت کرده و موانع اجتماعی را از پیش پای خود برداشته‌اند؛ لذا فعالیت‌های زنان در هر جامعه‌ای مختص به قوم، یا گروه خاصی نیست.

۱. به دلیل افزایش قدرت و نفوذ سیاسی و اجتماعی روز افزون ایرانیان، حاکمان عباسی همچون مأمون، معتصم و متوکل، برای کاستن قدرت ایرانیان با تقویت امیران ترک حنفی میان ایشان و خواجهگان ایرانی‌شان، مانند بومسلم نوبختی، برمکی و افشین تضاد انداختند و از این اختلاف برای سرکوبی سلسله‌هایی چون سامانیان، آل‌زیار، آل‌بویه، مأمونیان و... بهره گرفتند. بدین وسیله جنبش‌های مازیار، سپیدجامگان، بابک خرم‌دین و نهضت‌های مخالف ایرانی را در هم شکسته و موجبات تسلط ترکان غزنوی، سلجوقی، خوارزمشاهیان، اتابکان و قراختائیان را به مدت ۲۷۰ سال، از سال ۳۴۶ق تا حمله چنگیزخان مغول در سال ۶۱۶-۶۱۷ق فراهم آوردند (زرین کوب، ۱۳۶۸، ص ۸۰-۹۵).

## معرفی و نقد منابع

متون و منابعی را که در این رساله از آنها استفاده شده می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: دسته نخست، تاریخ‌های سلسله‌ای در اواخر قرن هفتم تا پایان قرن هشتم هستند که از اصلی‌ترین منابع استفاده شده بودند و گزارش‌ها و داده‌های ارزشمندی درباره فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مذهبی زنان خاندان تیموری از آنها استخراج و استفاده شده است؛ دسته دوم منابع عمومی قرن هشتم و قرن نهم هستند که درباره اقدامات زنان درباری در نهادهای گوناگون، در عهد جانشینان تیمور مطالبی داشته‌اند که از آنها استفاده شده است؛ دسته سوم سفرنامه‌ها هستند؛ چون از نزدیک شاهد رخدادها بوده‌اند و به بیان مطالبی درباره جزئیات زندگی زنان دربار تیموری پرداخته‌اند که مورخان تا بدین پایه به این جزئیات اشاره نکرده‌اند، و نام زنان را در فضای عمومی و خصوصی مردان به صورت پراکنده ذکر کرده‌اند. با این حال، منابع دوره تیموری مشحون از گزارش‌های مرتبط با حضور اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی زنان است که کمک فراوانی به پرداختن به موضوع رساله کرده است. از این‌رو، با تقسیم‌بندی منابع این دوره به توضیح مختصری از تاریخ‌نگاری در ارتباط با موضوع رساله می‌پردازیم.

## تاریخ‌های سلسله‌ای

یکی از انواع تاریخ‌نگاری‌ها، تاریخ‌های سلسله‌ای یا دودمانی هستند. مورخان این شاخه، بیشتر با انگیزه گرفتن پاداش از پادشاهان وقت و هیئت حاکم به نگارش دست‌یازیده‌اند. از این‌رو، از سوی سلسله‌های حکومتی و محلی ایرانی حمایت می‌شدند. این منابع که در ابتدا با پرداختن به زندگی و جنگ‌های تیمور نگاشته شدند، به مرور پیرامون خاندان و تبار تیموریان، یا سلسله‌های معاصر آنها به نوشتن پرداختند. اینک نمونه‌ای از این منابع را برمی‌شمردیم.

## ظفرنامه نظام‌الدین شامی

نظام‌الدین از شاعران و فاضلان سده قرن هشتم و اوایل سده نهم هجری است. وی به درخواست تیمور، تاریخ و شرح فتوحات او را به زبان ساده و انشائی روان و خالی از زواید و عبارتهای تکلف‌آمیز به نگارش درآورد. از آنجا که ظفرنامه به دستور تیمور نوشته شده و

مؤلف خود وقایع را از نزدیک مشاهده کرده، همچنین وی از کارگزاران و همراهان تیمور در سفرها بوده است، کتاب او دارای اهمیت ویژه است. شامی تنها رویدادهای خوشایند تیمور را به نگارش درآورده و از یادکرد غارتگری‌های او پرهیز داشته است، از این‌رو، از ارزش کتاب کاسته شده است (شامی، ۱۳۶۳، مقدمه، ص ۱-۳). به تصریح ملک الشعراى بهار، ظفرنامه کهن‌ترین اثر تاریخی است که درباره زندگی و فتوحات تیمور نوشته شده است. مؤلف آن قدیمی‌ترین مورخ عصر تیموری است و همه مورخان پس از او، به‌گونه‌ای تحت تأثیر وی بوده‌اند (بهار، بی‌تا، ص ۱۹۱). کتاب به جهت هم‌زمان بودن مؤلف با تیمور، برای شناخت خصوصیات تیمور و حکومت وی دارای اهمیت است. این اثر از دو جهت اهمیتی بسزا در تحول تاریخ‌نگاری تیموری داشته است؛ نخست، در این کتاب منابع کهن شفاهی و مکتوب که برای آیندگان باقی نمانده‌اند حفظ شده و دوم، به صورت نمونه و سرمشقی درآمده که بازنویسی‌ها و تجدید نظرهای حافظ ابرو و شرف‌الدین علی یزدی بر شالوده آن استوار هستند. به نوشته حافظ ابرو و گویا نظام‌الدین شامی در سال ۸۱۴ ق فوت کرده است (شامی، ۱۳۶۳، مقدمه ۱۰-۱۱). ظفرنامه شامی نخستین کتابی است که به حضور خاتون‌ها نزد تیمور و موقعیت و جایگاه آنها نزد وی اشاره کرده است.

### ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی

شرف‌الدین علی، فرزند شیخ حاجی یزدی، ملقب به شرف در شهر تفت یزد متولد شد و به احتمال میان سال‌های ۸۱۸-۸۳۸ ق وی در خدمت ابراهیم سلطان پسر شاهرخ بود، که سال‌های یاد شده بر فارس حکومت داشته است. شرف‌الدین علی نوشتن کتاب ظفرنامه را در سال ۸۲۲ ق به پایان برد و تا سال ۸۳۱ ق نکاتی را بدان اضافه کرد. ولی روایت دیگری تألیف ظفرنامه را به سال ۸۰۷ ق، در شیراز می‌داند.

ظفرنامه، تاریخ عمومی تیموریان و شامل دو قسمت است: یکی، مقدمه که به شجره‌نامه تیمور اختصاص دارد و در آن از قبائل ترک و چهار منطقه حکمرانی پسران چنگیز سخن می‌گوید. این قسمت از سوی مؤلف «تاریخ جهانگیر» نامیده شده و به نام مقدمه یا دیباچه به آن ملحق شده است که خود شامل مقدمه و دو فصل و خاتمه است. قسمت اساسی ظفرنامه، طبق نقشه مؤلف باید از سه مقاله تشکیل می‌شد. مقاله نخست، به تیمور، مقاله دوم به پسر او



شاهرخ و مقاله سوم به ابراهیم سلطان پسر شاهرخ، مشوق و حامی شرف‌الدین علی در تدوین ظفرنامه اختصاص داده شده بود، ولی اثری که امروزه به نام ظفرنامه مشهور است و تاریخ تیمور را شامل می‌شود، فقط مقاله اول اثر مورد نظر مؤلف را تشکیل می‌دهد و دو مقاله دیگر موجود نیستند. ظفرنامه شرف‌الدین تاریخ مفصل و عمومی ایران و جهان در سده هشتم و نهم هجری است و اوضاع سیاسی و ساختار حکومتی ایران، ترکستان، گرجستان، هندوستان، افغانستان، ماوراءالنهر، ارمنستان، بین‌النهرین، قفقازیه، روسیه، آسیای صغیر و خلیج فارس را با طول و تفصیل تمام و با عبارتهایی سلیس و شیوا تشریح کرده است.

شرف‌الدین کتاب ظفرنامه‌اش خویش را از کتاب ظفرنامه شامی گرفته، و وقایع و فتوحات و شخصیت تیمور را شرح داده است که از نظر قدمت و حضور مؤلف در متن حوادث، از جهاتی بر نوشته شرف‌الدین علی یزدی برتری دارد. ولی یزدی مطالب را با شرح و تفصیل بیشتری بیان کرده و به ادعای خود مؤلف در تنظیم کتاب یاد شده حتی‌المقدور از اسناد، یادداشت‌های منشیان تیمور و گواهی ناظران بهره برده است. ظفرنامه یزدی از جمله آثار تاریخی است که حاوی گزارش‌های مفصلی از سلطنت تیمور هستند و مأخذ و مرجع عمده بیشتر مورخان واقع شده که پس از شرف‌الدین، درباره تیمور نوشته‌اند. همچنین کتاب اخیر در باب شجره انساب تیمور و تاتار مأخذ مفیدی است و تاریخ اجداد وی را از روی قصه‌های اویغوری نقل کرده است. و آگاهی‌های ارزشمندی درباره گاه‌شماری، تبارشناسی، شخصیت‌نگاری، و جای‌نگاری دارد که در دیگر منابع وجود ندارند (یزدی، ۱۳۸۷، مقدمه ۱۲-۲۵).

از این‌روی موجب شده تا به نقش زنان درباری به‌طور ویژه اشاره شود. در برخی از موارد به نامی از این زنان بسنده کرده و در جایی دیگر با توجه به جایگاه و اهمیت زنان نزد تیمور به لحاظ سیاسی و اجتماعی، به یادآوری فعالیت‌های آنان در جنگ‌ها، مراسم جشن و عزاداری بپردازد و گزارش‌های مفیدی درباره کارهای فرهنگی تیمور و زنان درباری و دخالت‌های سیاسی خاتون‌ها را مشخص می‌کند (همان، ص ۴۲۹، ۴۳۳-۴۳۷، ۵۲۹، ۸۵۵ و ۱۱۰۷؛ ج ۲، ص ۹۸۳-۱۲۳۹).

در نتیجه، باید گفت هرچند این کتاب از ظفرنامه شامی در بسیار از موارد تأثیر پذیرفته، ولی در حقیقت با اطلاعاتی که از دیگر تاریخچه نخست تاریخ‌نگاری تیموری آورده، آن را کامل کرده و بیشتر مورخان برای تشریح تاریخ عمومی تیموریان از یکی از این دو بهره گرفته‌اند.

دیگر ویژگی این منبع به دست دادن تصویری از میزان احترام تیمور به خاتون‌ها و نوع رفتار با آنان است که به خوبی آن را مشخص می‌سازد.

### عجائب المقدور فی نوائب تیمور

تألیف شهاب‌الدین ابومحمد احمد بن محمد عبدالله دمشقی معروف به ابن‌عربشاه است که در دمشق زاده شد. به هنگامی که تیمور به شام لشکر کشید، وی ظاهراً به اجبار در شمار ملازمان او درآمد و پس از سفرهای دور و دراز به مصر رفت و در آنجا درگذشت. درباره تیمور و رفتار و کردار و شخصیت او کتابی نوشت به نام عجائب المقدور فی نوائب تیمور و در آن، وصف فتوحات تیمور را با نظری به احوال بلاد ماوراءالنهر به‌ویژه سمرقند گنجاند.

چنان‌که از نام کتاب پیداست ابن‌عربشاه در این کتاب از نام و نژاد و سبب استیلای تیمور آغاز کرده و از لشکرکشی‌های وی به ایران و هند و شام و عراق و روم سخن رانده است، به‌ویژه اخلاق و صفات تیمور را به خوبی در آن کتاب سنجیده است و بسیاری از حوادث پس از مرگ تیمور را نیز آشکار ساخته و با نامه‌ای انتقادی و خالی از تملق و در نهایتِ شهادت و بی‌غرضی، به شرح طرز رفتار و عقاید لشکریان وی پرداخته و از منجمان و معماران و موسیقی‌دانان و محدثان و مورخان و فقیهان آن عصر اطلاعات ارزشمندی در دسترس خواننده گذاشته و بسیاری از بنای مهم شهرها چون مساجد و مدرسه‌ها و کاخ‌ها را وصف کرده است.

گویا کتاب به سال ۸۴۰ق نوشته شده است و در زمره مهم‌ترین مأخذهای تاریخ تیمور از قبیل ظفرنامه علی شرف‌الدین یزدی و زبدة التواریخ حافظ ابرو به شمار می‌رود. بعضی از گزارش‌های تاریخی ابن‌عربشاه به دلیل آمیختگی آنها به افسانه‌ها از ارزش کتاب کاسته‌اند. کتاب افزون بر شرح جنگ‌ها و جهانگیری تیمور برخی ویژگی‌های روحی و فکری و نبوغ نظامی تیمور را شرح داده است. افزون بر این در اواخر کتاب ماجرای درگیری فرزندان و نوادگان تیمور، پس از مرگ وی برای دستیابی به قدرت دارای اهمیت است. کتاب با نثری ساده و روان و به زبان عربی نگاشته شده است (ابن‌عربشاه، ۱۳۸۴، ص ۱۵-۲۳).

ابن‌عربشاه نسبت به حضور زنان در امور سیاست نگاه منتقدانه‌ای داشته، با این حال حضور زنان را در جنگ‌ها ستوده و به اسامی زنان خاندان تیموری اشاره کرده است (همان، ص ۲۱۵-۲۵۱، ۳۰۰، ۳۰۸-۳۱۰ و ۳۲۴).

### مطلع سعدین و مجمع بحرین

اثر کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی است که در آن وقایع میان سال‌های ۷۰۴ تا ۸۷۳ق، یعنی از تولد ابوسعید ایلخانی تا وفات ابوسعید تیموری درج شده است و انتخاب این نام برای کتاب، به همین مناسبت است. کتاب مطلع سعدین و مجمع بحرین در دو جلد فراهم آمده است، جلد نخست شامل وقایع ایران از سال ۷۰۴ تا ۸۰۷ق، یعنی حوادث دوره‌ای بیش از صد سال است که از تولد سلطان ابوسعید بهادرخان شروع شده و به مرگ تیمور و شرح اسامی اولاد و احفاد او پایان می‌یابد. جلد دوم از آغاز سلطنت شاهرخ تیموری تا قتل سلطان ابوسعید تیموری و حوادث سال جلوس سلطان حسین بایقرا را دربر می‌گیرد. جلد نخست بیشتر اقتباس از کتاب‌های متقدمین، همچون حافظ ابرو و ظفرنامه یزدی است.

در هر حال، با آنکه قسمتی از کتابش مأخوذ از منابع دیگر است، ولی به سبب آنکه مؤلف خود در برخی قسمت‌های دیگر شاهد عینی وقایع بوده است، کتابش در باب تاریخ این دوره دارای اهمیت تمام است. سمرقندی به چند دلیل تألیف خود را از دیگر کتاب‌های تاریخ برتر می‌داند؛ نخست، اینکه وقایعی در آن آمده است که کسی تا آن زمان درباره آنها سخن نگفته است و دیگر آنکه، نزدیک به وقایع بوده و با صداقت آنها را مطرح کرده است. و چون این کتاب تنها به دوران زمامداری تیموریان اختصاص نداشته، نمی‌توان آن را در زمره تاریخ‌های دودمانی یا سلسله و سلاطین به شمار آورد (سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۶-۱۹).

گزارش‌های سمرقندی از حوادث سیاسی این عهد، به‌ویژه در اختلاف بر سر جانشینی شاهرخ، نقش گوهرشاد را به خوبی نمایان می‌سازد. همچنین به نقش سیاسی و اجتماعی خاتون‌های تیموری در عهد تیمور و جانشینانش و فعالیت آنان در امور فرهنگی و اجتماعی اشاره می‌کند (همان، ص ۱۳۰-۲۵۱، ۳۳۷-۳۹۲ و ۴۲۳؛ ج ۲، ۶۷۲-۷۴۶، ۱۰۴۵-۱۰۵۴).

### مجمع التواریخ سلطانیه

این کتاب به زبده‌التواریخ شهرت دارد. نویسنده این اثر، شهاب‌الدین عبدالله بن عبدالرشید البهداد بنی الخوافی، ملقب به حافظ ابرو است. او از مورخان بزرگ و نامی ایران در پایان سده هشتم و اوائل سده نهم هجری است. اصلش از بهدادین خواف بوده و تاریخ تولد او مشخص نیست. گویا در ایام جوانی در زمره خدمتگزاران امیر تیمور قرار گرفته و به ظاهر از جمله دبیران او

محسوب می‌شده است. وی پس از تیمور به خدمت شاهرخ درآمده و از ملازمان او و پسرش بایسنقر میرزا شد. کتاب مجمع التواریخ سلطانی از مهم‌ترین کتاب‌هایی است که از حافظ ابرو بر جای مانده و در چهار جلد تنظیم شده است. حافظ ابرو مجموعه همه آثار تاریخی خود را در کتاب مجمع التواریخ سلطانیه بار دیگر گرد آورده است. تألیف این کتاب در سال ۸۲۶ق به امر بایسنقر میرزا شروع شده و دو سال طول می‌کشیده است جلد چهارم که به شاهزاده بایسنقر میرزا اهدا شده، جداگانه به زبده‌التواریخ بایسنقری شهرت یافته است. این مجلد شامل دو قسمت است؛ قسمت اول، وقایع مربوط به سال ۷۳۶ق و آخر ایام ابوسعید ایلخانی را دربر می‌گیرد و سپس با ذکر مجملی از تاریخ، افعال و یاسای امیر تیمور ادامه یافته و به مرگ او در سال ۸۰۷ق، پایان می‌یابد؛ قسمت دوم نیز دوران حاکمیت شاهرخ را از سال ۸۰۷ق، شرح می‌دهد. حافظ ابرو کتابش را از افسانه‌ها و وقایع ساختگی و توخالی به دور داشته و پیوسته جانب حق را نگه داشته است و برخلاف مورخان قدیم و معاصر خود که از روی آثار دیگران، مطالب را بدون نام نویسنده آن می‌نوشتند، چنین نکرده است و هر جا مطلبی از کسی نوشته، نام نویسنده آن را یادآور شده است. استفاده از آیات و اخبار هم در این کتاب کم و از اطناب به دور است. این کتاب به دلیل ناظر بودن مؤلف بر وقایع دارای اصالت و اعتبار درخور اهمیتی است (حافظ ابرو، ۱۳۸۰، مقدمه ج ۱، ص ۵-۲۴).

حافظ ابرو اطلاعات ارزشمندی از اوضاع فرهنگی این عصر در زمان شاهرخ و امیران و همسران وی به دست می‌دهد و از نقش زنان در عهد تیمور و جانشینانش خلیل سلطان و شاهرخ، به لحاظ سیاسی و اجتماعی مطالب مفیدی ارائه کرده است (همان، ص ۴۷، ۶۱، ۱۳۱-۲۱۴ و ۵۱۴-۵۵۱؛ ج ۲، ۷۵۳-۷۶۴، ۷۹۱-۷۹۰؛ ج ۳، ص ۱۵۳-۱۷۸، ۳۹۴-۳۹۷ و ۴۳۶؛ ج ۴، ص ۶۶۴، ۷۴۵).

## تاریخ‌های عمومی

### روضه الصفاء فی سیره الانبیاء و الملوک و الخلفاء

تألیف محمد بن سید برهان‌الدین خاوند شاه بن کمال‌الدین محمود، معروف به «میرخواند» است. وی به خاندان سادات بخارا منسوب و پدرش سیدبرهان‌الدین، از اهالی بخارا بود که به بلخ مهاجرت کرده بود. میرخواند در سال ۸۳۸ق به دنیا آمد و در جوانی به هرات رفت.

وی برای تکمیل تحصیلاتش در علوم معقول و منقول، تلاش بسیار داشت و توجه امیرعلیشیر نوایی را به خود جلب کرد و بیشتر عمر خود را در هرات، با حمایت‌های بی‌دریغ او گذراند. او در سال ۹۰۳ق، به دلیل بیماری بدروود حیات گفت. میرخواند که ارادت خاصی به امیرعلیشیر نوایی داشت، اثر معروف خود، روضه الصفار را به نام او تألیف کرد. این اثر در هفت مجلد به نگارش در آمده و مجلد هفتم آن از سوی نواده او، غیاث‌الدین خواندمیر، نوشته شده است. مجلدات ششم و هفتم این مجموعه مفصل، برای فهم رویدادهای دوره تیموریان، منابعی با اهمیت و ارزشمند محسوب می‌شوند (میرخواند، ۱۳۳۹، مقدمه، ص ۱-۱۵).

میرخواند اطلاعات مفیدی از خانواده سلطنتی تیمور: همسران، فرزندان و نوادگان وی به دست می‌دهد. او نگاه بی‌طرفانه‌ای به فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خاتون‌های این دوره داشته که دیگران از آن استفاده کرده‌اند.

### منتخب التواریخ نطنزی

تألیف معین‌الدین نطنزی، از منابع مهم دوره تیموری است، وی شیعی مذهب و از عراق عجم بوده و تا سال ۸۱۷ق، در دربار نوه تیمور، اسکندر بن عمر شیخ، می‌زیسته است، او در سال ۸۱۶ق، برای این شاهزاده تاریخ عمومی مجمل و بدون عنوان تا وقایع سال ۸۰۷ را تألیف کرد که معروف به اسکندر گمنام شد، ولی به دلیل مرگ اسکندر در جریان درگیری با شاهرخ، مؤلف با حذف برخی مطالب و مدایح کتاب، آن را به شاهرخ تقدیم کرد و در دومین بازنویسی آن را به نام منتخب التواریخ تغییر داد. محتوای این کتاب از تاریخ جهان، از هبوط آدم تا مرگ تیمور در سال ۸۰۷ق، و مؤلف را دربر می‌گیرد. کتاب در سال ۸۱۶ یا ۸۱۷ق، به پایان رسیده است. از آنجا که مؤلف خود شاهد و ناظر حوادث فارس بوده است، مطالب کتابش برای تاریخ سیاسی و اجتماعی فارسی اهمیت فراوان دارد؛ اگرچه معین‌الدین مطالبی را از آثار دیگران در کتابش آورده است. مباحثی از کتاب که به حوادث دوران عمر شیخ و فرزندش اسکندر می‌پردازد دارای اهمیت هستند. این اثر اطلاعات مجملی درباره وقایع ایران در زمان سلسله‌های محلی و روی کار آمدن تیمور به دست می‌دهد. بارتولد، مستشرق روسی، معتقد است نطنزی بی‌شک با ظفرنامه آشنا بوده، ولی اطلاعات دیگری را نیز وارد تاریخچه خود کرده که در ظفرنامه رسمی شامی وجود ندارد (اشپولر، بازورث، ک. کاهن، ۱۳۸۰، ص ۱۲۸). این کتاب با تصحیح

ژان اوبن فرانسوی از سوی انتشارات کتابفروشی خیام در سال ۱۳۶۶ش، در تهران به چاپ رسیده است.

### تاریخ‌های محلی

نگارش تاریخ محلی از دوران میانه در ایران رواج یافت. مورخان بیشتر به شرح حال علما و رجال مشهور و اقدامات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنان در شهرهای مورد نظر پرداختند و در کنار آن مناطق جغرافیایی را توصیف و به زندگی توده مردم اشاره کردند. از این نظر، در دوران تیموریان نیز در نواحی شمالی، جنوبی، شرقی و مرکزی ایران، تاریخ محلی فارس، مازندران، شیراز، قم، یزد و هرات به نگارش درآمد.

### تاریخ یزد

پیرامون شهر یزد دو کتاب تاریخی نوشته شده‌اند: تاریخ یزد، نوشته جعفر بن محمد جعفری و دیگری تاریخ جدید یزد، تألیف احمد بن حسین بن علی کاتب که در سال ۸۶۲ق، به نگارش درآمد و شامل دوازده مقاله از ابتدای بنای شهر یزد تا دوران شاهرخ تیموری و جهان‌شاه قراقوینلو است. که بیشتر از مطالب تاریخ یزد، نوشته جعفری اقتباس شده است، با وجود این، اطلاعات ارزشمندی پیرامون بناها، عمارت‌ها، انواع مالیات‌ها، نحوه پرداخت مواجب شیوه آبیاری و تقسیم‌بندی آب و قنات‌های شهر یزد در آن مطرح شده است (جعفری، ۱۳۸۴، ص ۶-۱۶) بدین سان، به نقش زنان درباری در فعالیت‌های عمرانی و مذهبی اشاره شده است که مطالب مفیدی برای رساله محسوب می‌شود.

### روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات

معین‌الدین محمد زُمچی اسفزاری، یکی از فضلا و نویسندگان نامدار خراسان در سده نهم و از سخن‌دانان و منشیان زبردست سلطان حسین میرزا بایقرا و از استادان مدرسه هرات در فنون ادبی به شمار می‌رفت. اسفزاری رویدادهای هرات را تا سال ۸۷۵ق، بازگو کرده است. این کتاب اگرچه در اصل یک تاریخ محلی است که به ۲۶ روضه تقسیم شده، ولی نویسنده از مسائل دیگری از قبیل جغرافیای تاریخی خراسان، شرح احوال رجال، وقایع و حوادث سیاسی